

 سه‌شنبه ۱۳ آبان ۱۴۰۴ وطن‌امروز شماره ۴۴۵۴ اقتصادی 	
معرفی کتاب	

اقتصاد به زبان ساده

کتاب «اقتصاد به زبان ساده» نوشته «لس لیوینکستون» و ترجمه شادی صدری، یکی از آثار ارزشمندی است که پیچیده‌ترین مفاهیم اقتصادی را به شکل روشن و همه‌فهم ارائه می‌دهد.این کتاب که توسط نشر «دنیای اقتصاد» منتشر شده، به عنوان یک راهنمای مقدماتی ایده‌آل برای کسانی عمل می‌کند که می‌خواهند بدون غرق شدن در اصطلاحات تخصصی و فرمول‌های پیچیده، درکی اساسی از سازوکارهای اقتصادی به دست آورند.نویسنده با زبانی ساده و مثال‌هایی ملموس از زندگی روزمره، به توضیح مفاهیمی می‌پردازد که پایه‌های دانش اقتصاد را تشکیل می‌دهند.

محتوا و رویکرد کتاب به گونه‌ای است که از تعریف مفاهیم پایه‌ای مانند عرضه و تقاضا، بازار، و تورم شروع می‌کند و به‌تدریج به مباحث پیچیده‌تری مانند نقش دولت در اقتصاد، سیاست‌های پولی و مالی و تجارت بین‌الملل می‌رسد. ویژگی برجسته این کتاب، کاربردی بودن آن است، به طوری که خواننده پس از مطالعه آن، می‌تواند تحولات اقتصادی روزمره، از نوسانات قیمت‌ها تا اخبار مربوط به بودجه دولت را با درک بهتری تحلیل کند. ترجمه روان و دقیق نیز به قابل درک بودن هرچه بیشتر کتاب برای مخاطب کمک شایانی کرده است. این اثر نه‌تنها برای دانشجویان و علاقمندان تازه‌کار، بلکه برای هر کسی که بخواهد تصمیم‌های مالی هوشمندانه‌تری در زندگی شخصی خود بگیرد، توصیه خواهد بود. کتاب «اقتصاد به زبان ساده» مانند کلیدی است که قفل در ک دنیای پیچیده اقتصاد را می‌گشاید و به خواننده نشان می‌دهد که اصول اقتصادی چگونه بر زندگی روزمره همه ما تأثیر می‌گذارند.

اخبار

تثبیت قیمت جهانی طلا

زیر فشار دلار

در معاملات روز دوشنبه، پهنای جهانی طلا تغییر محسوسی نداشت. تردید سرمایه‌گذاران نسبت به کاهش دوباره نرخ بهره فدرال رزرو و کاهش تنش‌های تجاری میان واشنگتن و پکن باعث شد تقاضا برای فلز زرد افت کند. طبق گزارش رویترز، هر اونس طلا دیروز با ۰٫۱۸ درصد افزایش به ۴۰۱۰ دلار و ۱۳ سنت رسید. قراردادهای آتی طلا در بازار کامکس نیویورک نیز با رشد ۰٫۵۴ درصدی، ۴۰۱۸ دلار و ۱۰ سنت معامله شد.

اگرچه قیمت اندکی رشد کرده، اما فلز زرد نسبت به رکورد ۴۳۸۱ دلار و ۲۱ سنتی ۲۰اکتبر حدود ۱۰ درصد پایین‌تر است. تقویت شاخص دلار آمریکا که به بالاترین سطح ۳ ماه رسیده، مهم‌ترین عامل فشار بر قیمت طلا عنوان می‌شود. فدرال رزرو ماه اکتبر برای دومین‌بار در سال جاری میلادی نرخ بهره را ۲۵۱ واحد پایه کاهش داد. با این حال، معامله‌گران اکنون تنها ۷۱ درصد احتمال می‌دهند در نشست دسامبر نیز کاهش دیگری اعمال شود؛ در حالی که بیش از ائتشار داده‌های جدید اقتصادی امریکا هستند انتظار بیش از ۹۰ درصد بود. طلا که بازدهی سود مستقیم ندارد، در شرایط نرخ بهره پایین یا بی‌ثباتی اقتصادی معمولاً عملکرد بهتری دارد. به همین دلیل، بازارها اکنون چشم به راه انتشار داده‌های جدید اقتصادی امریکا هستند تا بتوانند موضع بعدی بانک مرکزی را تخمین بزنند. آرام شدن فضای تنش بین امریکا و چین نیز از عوامل کاهش تقاضای احتیاطی برای طلا بوده است. رئیس‌جمهور آمریکا هفته گذشته اعلام کرد با همتای چینی خود برای کاهش بخشی از تعرفه‌های تجاری توافق کرده است. در مقابل، پکن متعهد شده همکاری بیشتری در زمینه مقابله با تجارت غیرقانونی فنتایل، خرید دانه‌های سویا و صادرات فلزات کمیاب داشته باشد.

■ ■ ■

اوپک پلاس تر مز افزایش عرضه نفت را کشید

گروه اوپک‌پلاس در نشست روز یکشنبه خود تصمیم گرفت عرضه نفت به بازارهای جهانی در ماه دسامبر را کمی افزایش دهد اما برای ۳ ماه نخست سال ۲۰۲۶ افزایشی نداشته باشد. به نقل از رویترز، گروه اوپک‌پلاس در نشست روز یکشنبه اعلام کرد با همتای چینی خود برای ماه دسامبر عرضه نفت به بازارهای جهانی را همانند ماههای اکتبر و نوامبر، ۱۲۷ هزار بشکه در روز افزایش دهد. این گروه که در تلاش است سهم خود از بازارهای نفت را بیشتر کند، تصمیم گرفته افزایش عرضه نفت به بازار جهانی در ۳ ماه نخست سال آینده را متوقف کند. این گروه عرضه نفت خود به بازار را ۲٫۹۱ میلیون بشکه در روز افزایش داده اما این روند افزایشی از ماه آوریل به بعد کمی کند شده است. یکی از چالش‌های پیش روی گروه اوپک‌پلاس برای بالا بردن عرضه نفت خود تحریم‌های نفتی جدید امریکا علیه روسیه است که ممکن است توانایی مسکو در بالا بردن صادرات نفت را تحت‌الشعاع قرار دهد. ۸ کشور عضو گروه اوپک‌پلاس که در نشست مذکور حضور داشتند شامل روسیه، عربستان، عراق، کویت، عمان، امارات، قزاقستان و الجزایر هستند. یکی از نگرانی‌های این گروه که موجب شد از افزایش عرضه در ماههای نخست سال آینده صرف‌نظر کند، بروز مزاد عرضه نفت به بازار جهانی است که باعث شد در ماه اکتبر قیمت نفت به حدود ۶۰ دلار در هر بشکه عقب‌نشینی کند.

■ ■ ■

ارائه کارت خرید جهیز به چند روز دیگر

طبق اعلام بانک مرکزی، وام نقدی ازدواج برقرار است و در کنار آن، کارت رفاهی برای خرید کالا‌های ایرانی تا چند روز دیگر فعال می‌شود تا متقاضیان هر کدام را تمایل داشته، انتخاب کنند. مدیر روابط عمومی بانک مرکزی ادعای برخی رسانه‌ها مبنی بر حذف وام نقدی ازدواج را تکذیب کرد. مصطفی قمری‌وفا گفت: کارت رفاهی متصل به اوراق گام برای آن دسته از متقاضیان وام ازدواج که متقاضی خرید جهیزیه از کالا‌های ایرانی هستند تا پایان آبان‌ماه اجرایی می‌شود.



بانکداری نه یک توصیه سیاسی، بلکه یک ضرورت اقتصادی است.

گام سوم، بازنگری در سیاست ادغام است. ادغام، اگر بدون شفاف‌سازی مالی، اصلاح ترازنامه و تعیین تکلیف دارایی‌های مشکوک‌الوصول انجام شود، نه‌تنها چالش را حل نمی‌کند، بلکه آن را در ساختار جدید بازتولید می‌کند. بانک‌های سالم با پذیرش بانک‌های بیمار، به جای تمرکز بر توسعه خدمات و نوآوری، ناچارند انرژی خود را صرف مدیریت ریسک‌های به ارث رسیده کنند و این یعنی عبقگرد در مسیر توسعه مالی. در نهایت، اصلاح نظام بانکی ایران نیازمند اراده‌ای فراتر از واکنش‌های مقطعی است. باید از سیاست‌های مسکن‌وار فاصله گرفت و به سمت بازسازی نهادی حرکت کرد. این مسیر، هرچند دشوار و زمانبر است اما تنها راهی است که می‌تواند اعتماد عمومی را بازسازی کند، سرمایه‌گذاری را تحریک کند و صنعت بانکداری ایران را از وضعیت مورچه‌وار به جایگاهی متناسب با ظرفیت‌های اقتصادی کشور ارتقا دهد. بدون این اصلاحات، هر اصلاح غیر کارشناسی، هر تغییر تابلو و هر وعده جدید، تنها به تعویق انحلال خواهد انجامید نه به حل آن.

■ نهاد ناظر در آزمون پاسخگویی

در شرایطی که ترازنامه یک بانک، کمترین تأثیر قرار می‌دهد، سکوت یا تعلل نهاد ناظر دیگر قابل توجیه نیست. بانک مرکزی، به عنوان متولی سیاست‌گذاری پولی و ناظر بر سلامت نظام بانکی، نمی‌تواند صرفاً با صدور اطلاعیه‌ای مبنی بر ادغام، از بار مسؤلیت شانه‌خالی کند. وعده‌های پیشین درباره ابطال مجوز ۲ بانک ناتراز، به مرحله اجرا نرسیده و این فاصله میان گفتار و عمل، نه‌تنها اعتماد عمومی را فرسوده، بلکه زمینه را برای مداخله قضایی فراهم کرده است.

اکنون، با ورود دستگاه‌قضا به پرونده بانک آینده، پرسش‌های جدی‌تری مطرح است: چرا بانک مرکزی با وجود اطلاع از ناترازی شدید ۴ بانک دیگر اقدامی پیشگیرانه برای انحلال انجام نمی‌دهد؟ چرا فرآیند شفاف‌سازی دارایی‌ها، تعیین تکلیف بدهی‌ها و پاسخگویی سهامداران متخلف بانک آینده آغاز نشده است؟ و مهم‌تر از همه، آیا این الگو برای سایر بانک‌های ناتراز نیز تکرار شود؟

اگر بدون اصلاح ساختار و شفاف‌سازی مالی بانک‌ها ادغام انجام شود، نه‌تنها ناترازی را حل نمی‌کند، بلکه آن را به بانک مقصد منتقل می‌کند. بنابراین انتقال دارایی اگر بدون تبدیل دارایی‌های غیرمولد به منابع نقد و بدون پاسخگویی حقوقی سهامداران انجام شود، به معنای انتقال ناترازی است. از سوی دیگر، نسبت قفایت سرمایه در شبکه بانکی ایران را نمی‌توان با ادغام‌ها اصلاح کرد. باید از ادامه فعالیت بانک‌هایی با نسبت کمترین قفایت سرمایه جلوگیری شود، این معنایش رفع ریسک سیستماتیک در قلب اقتصاد است. بانک آینده به با نسبت منفی ۳۶۰، تنها یکی از نمونه‌هاست که نشان داد چگونه کفایت سرمایه منفی می‌تواند در حجم نقدینگی و تورم اقتصادی موثر باشد. به همین دلیل اگر درباره سایر بانک‌ها نیز تصمیم درستی گرفته نشود، می‌تواند به دومینوی ناترازی در سایر بانک‌ها منجر شود.

بانک‌های ناتراز با فروش دارایی‌ها، توسعه خدمات بانکی و بازسازی ترازنامه، مسیر احیای تدریجی را باید طی کنند. برای تحقق این هدف بانک مرکزی باید از اختیارات قانونی خود استفاده کند، نه فقط برای اجرای اصلاح یا ادغام، بلکه برای بازتعریف آنها. اصلاح ناترازی با ادغام باید مشروط به شفاف‌سازی کامل، تسویه بدهی‌ها، پاسخگویی حقوقی و اصلاح ساختار باشد، در غیر این صورت این مسیر نه‌تنها به انحلال ختم می‌شود، بلکه آن را در مقیاسی بزرگ‌تر بازتولید خواهد کرد.

در نهایت، آنچه در پرونده بانک آینده در جریان است، آزمونی است برای سنجش بلوغ نهادی، صداقت اجرایی و اراده اصلاح در نظام بانکی کشور. اگر این آزمون با شفافیت، پاسخگویی و اصلاح واقعی همراه نباشد، نه‌تنها اعتماد عمومی از دست خواهد رفت، بلکه نظام بانکی ایران، با تمام ظرفیت‌های بالقوه‌اش، در بلاتلی ناترازی‌های خودساخته گرفتار خواهد شد.

اجرای طرح شده است. دولت با انتقال منابع از دهک‌های بالا به خوارهای کچد،رآمد، توانسته فشار تورمی ناشی از پرداخت نقدی را کاهش دهد و کالاهای اساسی را با قیمت ثابت در اختیار گروه‌های هدف قرار دهد. از ارزیابی‌های اولیه نشان می‌دهد این اقدام، وابستگی خوارهای محروم به بازار آزاد را کاهش داده و امنیت غذایی را در مناطق کپهر خوردار تقویت کرده است. همچنین، تثبیت قیمت کالاهای مشمول در قالب کالابرگ، نوسانات تورمی در سبد مصرفی دهک‌های پایین را کنترل کرده و به نوعی سپر حمایتی در برابر شوک‌های قیمتی ایجاد کرده است.

در جمع‌بندی باید گفت، کالابرگ کالابرگ الکترونیک در نیمه نخست سال ۱۴۰۴، نه‌تنها یک سیاست رفاهی، بلکه گام نخست در بازتعریف مدل حمایت اجتماعی دولت بود. با تمرکز بر تخصیص هدفمند منابع، حذف یارانه‌های غیر کارآمد و ارائه کالاهای اساسی به جای پول نقد، این طرح توانست بخشی از شکاف معیشتی را ترمیم کند. اگر زیرساخت‌های توزیع به‌درستی اصلاح شوند و نظارت مؤثر ادامه یابد، کالابرگ می‌تواند به یکی از ستون‌های پایدار عدالت اقتصادی در برنامه هفتم توسعه تبدیل شود؛ ستونی که نه‌تنها معیشت را هدف می‌گیرد، بلکه اعتماد عمومی به سیاست‌گذاری اقتصادی را نیز بازسازی می‌کند.

دوش ۸۵ میلیون ایرانی خواهد بود. وقتی یک بانک بیش از ۳۸۰ هزار میلیارد تومان از بانک مرکزی اضافه‌بر داشت دارد، آثار تورمی آن را نه فقط سپرده‌گذاران، بلکه کل جمعیت کشور باید تحمل کنند. بانک‌ها زمانی می‌توانند نقش سازنده‌ای در اقتصاد ایفا کنند که از نسبت‌های نظارتی سالم بر خوردار باشند اما بانک آینده، با نسبت کفایت سرمایه منفی ۶۰۰ درصد، به یک موتور خلق نقدینگی بی‌پشتوانه تبدیل شده بود.

■ آزمونی برای نظام بانکی

پرونده بانک آینده به آزمونی برای سنجش بلوغ نهادی و اراده نظام بانکی در صیانت از منافع عمومی بدل شده است. از این رو نحوه مواجهه با این پرونده می‌تواند الگوی برخورد با تخلفات ساختاری و فساد نهادی در سایر حوزه‌ها را نیز تعیین کند. در این میان، نقش بانک مرکزی نه‌تنها در مقام ناظر پولی، بلکه به عنوان تنظیم‌گر اعتماد عمومی، حیاتی است. اگر این نهاد نتواند با شفاف‌سازی کامل، اعمال سازوکارهای اصلاحی، مسیر بازسازی نظام بانکی را هموار کند، این موضوع در اقتصاد کشور اثر منفی خواهد گذاشت. از سوی دیگر، دستگاه قضایی باید نشان دهد که در برابر تخلفات مالی، مامشات جای خود را به اجرای بی‌امعاض قانون داده است. رسیدگی به تضاد منافع، تها‌ت‌های مشکوک و انتقال منابع به خارج از کشور، باید با دقت، سرعت و شفافیت انجام شود تا پیام روشنی به شبکه بانکی و اقتصادی کشور ارسال شود: هیچ فرد یا نهادی فراتر از قانون نیست.

در چنین فضایی، هر گونه تصمیم درباره ادغام، انحلال یا بازسازی سایر بانک‌ها، باید نه بر اساس مصلحت‌سنجی‌های کوتاه‌مدت، بلکه بر پایه اصول اقتصادی، سلامت مالی و منافع عمومی اتخاذ شود.

از این رو این پرونده فرصتی است برای بازتعریف نظام اقتصادی در ایران؛ فرصتی برای عبور از مدیریت واکنشی به سمت سیاست‌گذاری پیشگیرانه، از مماشات نهادی به سمت پاسخگویی شفاف و از اعتماد آسیب‌دیده به سمت بازسازی مشروعیت نظام مالی. اگر این مسیر با جدیت، شفافیت و اراده طی شود، بانک آینده می‌تواند نقطه پیاین یک چالش و آغاز اصلاحی ساختاری باشد اما اگر این فرصت از دست برود هزینه آن نه‌تنها مالی، بلکه تورمی خواهد بود.

■ راهکار اصلاح نظام بانکی

نظام بانکی با ناترازی‌های مزمن و ضعف نظارت مواجه است، تداوم مسیر فعلی نه‌تنها راحل نیست، بلکه خود به بخشی از چالش بدل شده است. ادغام‌های پرشتاب، بدون اصلاح زیرساخت‌ها و بدون ابزارهای حمایتی مانند صندوق بیمه سپرده‌ها، صرفاً چالش را از یک نهاد به نهاد دیگر منتقل می‌کند بی‌آنکه ریشه‌های آن خشک شود. در چنین فضایی، اصلاح نظام بانکی باید از سطح تاکتیکی به سطح راهبردی ارتقا یابد. نخستین گام، طراحی و راهاندازی صندوق بیمه سپرده‌هاست؛ نهادی که بتواند در زمان حساس، از سپرده‌گذاران محافظت کند و اجازه دهد بانک‌های پرریسک بدون ایجاد شوک اجتماعی منحل شوند. این ابزار، در کشور‌های پیشرفته نه‌تنها ضامن ثبات مالی است، بلکه امکان اصلاح ساختار بانکی را نیز فراهم می‌کند.

گام دوم، بازتعریف نقش دولت در صنعت بانکداری است. با بیش از نیمی از بانک‌ها تحت تصدی مستقیم و زرخانه‌ها، رقابت واقعی در بازار بانکی ایران عملاً مختل شده است. تجربه جهانی نشان می‌دهد بانک‌های دولتی اگر بدون انحصار ساختار و کاهش تصدی‌گری ادامه دهند، نه‌تنها مانع رشد بخش خصوصی می‌شوند، بلکه خود نیز به کانون ناکارآمدی و فساد تبدیل خواهند شد. کوچک‌سازی دولت در صنعت

رشد نقدینگی به‌شدت موثر است. هم‌اکنون برخی بانک‌ها با زیان‌های سنگین و ساختاری، عملاً در وضعیت هشدار قرار گرفته‌اند. ۴ بانک و یک موسسه شامل سرمایه، ایران‌زمین، دی، سپه و ملل در مجموع بیش از ۱۶۵ هزار میلیارد تومان زیان انباشته ثبت کرده‌اند. این بانک‌ها اگر با کنترل هزینه‌ها، سرمایه‌گذاری‌های هدفمند و توسعه خدمات دیجیتال همراه شوند، می‌توانند به سودآوری برسند ولی در غیاب برخورد قاطع و اصلاحات ساختاری بانک مرکزی، همچنان به مسیر گذشته ادامه می‌دهند. اگر افزایش سرمایه از محل آورده نقدی، تعیین تکلیف دارایی‌های غیرمولد و بازنگری در سیاست‌های اعتباری فوراً در دستور کار قرار گیرند، این اقدامات در حفظ سلامت کل شبکه بانکی کشور تأثیرگذار خواهد شد.

■ تأثیر ناترازی بانک‌ها بر تورم

نقدهای زیادی نسبت به سکوت بانک مرکزی طی سال‌های اخیر در قبال بانک‌های ناتراز وارد است، چراکه این مساله منجر به تأثیر این ناترازی‌ها بر تورم شده است. در واقع در سال‌های اخیر بویژه در بانک‌های خصوصی و مؤسسات مالی غیرمجاز، اضافه برداشت از منابع بانک مرکزی به سطحی رسیده که عملاً اثر آن در اقتصاد مشهود است. به همین دلیل بانک مرکزی باید سریع‌تر فرآیند اصلاح را آغاز کند. درباره بانک آینده، سرمایه ثبت‌شده تنها ۱۶۰۰ میلیارد تومان است، در حالی که بدهی‌ها به چند صد هزار میلیارد تومان رسیده. به طور قطع باید تسویه بدهی‌ها سریع‌تر انجام شود تا میزان کسری مشخص و درباره پرونده قضایی آن تصمیم‌گیری شود. ۴ سال پیش این فرآیند آغاز می‌شد، می‌توانست از بسیاری از خسارت‌های تورمی جلوگیری کند.

طبق قانون برنامه هفتم توسعه، بانک مرکزی موظف است با کاهش سالانه ۲۰ درصد از اضافه‌برداشت‌ها، رساندن کفایت سرمایه به ۸ درصد، کنترل رشد نقدینگی در محدوده ۱۳٫۵ درصد و کاهش تورم به زیر ۱۰ درصد، مسیر اصلاح را هموار کند اما این هدف در سایه اصلاح ترازنامه‌ها، شفاف‌سازی دارایی‌ها و پاسخگویی به تخلفات ساختاری بانک‌ها ممکن خواهد بود. بررسی‌ها نشان می‌دهد برای نمونه حدود ۹۰ درصد تسهیلات بانک آینده به افراد و شرکت‌های وابسته پرداخت شده، در حالی که سقف قانونی چنین تسهیلاتی تنها ۲ درصد سرمایه نظارتی است. به همین دلیل دستگاه قضایی نیز نسبت به تخلفات بر خوردار قاطعی خواهد داشت.

انحلال بانک آینده برای اقتصاد کشور بسیار هزینه‌ساز شد؛ هرچند دارایی‌های نقدشونده بانک آینده برای پوشش کسری‌ها به بانک ملی منتقل شده و کارکنان نیز با حفظ حقوق و مزایا، تحت قوانین بانک‌های دولتی فعالیت خواهند کرد و حتی برای سهامداران خرد نیز امکان واگذاری سهام با بالاترین قیمت یک سال اخیر به صندوق ضمانت سپرده‌ها فراهم شده است اما این مساله می‌تواند هزینه‌های بانک ملی را بالا ببرد و در نتیجه منجر به بروز ناترازی در این بانک شود. با توجه به اینکه بانک ملی بسیار بزرگ‌تر است اثر ناترازی آن نیز بیشتر خواهد بود.

برآوردها نشان می‌دهد بدهی بانک آینده به سپرده‌گذاران ۲۴۵ هزار میلیارد تومان و بدهی به بانک مرکزی ۵۰۰ هزار میلیارد تومان است. دارایی‌های این بانک در حال ارزیابی مجدد است و در صورت عدم کفایت، طبق ماده ۸ برنامه هفتم، اموال سهامداران مقصر از طریق مراجع قضایی قابل وصول خواهد بود. پروژه‌هایی مانند ایران‌مال نیز پس از تکمیل و قیمت‌گذاری، باید به فروش گذاشته شوند

و درآمد حاصل از آنها صرف تسویه بدهی‌ها شود، اما چه کسی از بانک آینده پاسخگوی انتقال بار تورمی به

گروه اقتصادی: پرونده بانک آینده با وجود خلق نقدینگی طی ۱۰ سال گذشته سرانجام به ادغام و انحلال ختم شد. حجت‌الاسلام‌المولمسلمین غلامحسین محسنی‌ا‌ز‌های، رئیس‌قوه قضائیه در این باره با تأکید بر ضرورت صیانت از حقوق تمام ذی‌نفعان این بانک، اعلام کرد دستگاه قضایی تمام تلاش خود را به کار خواهد گرفت تا هیچ حقی از کار کنان، سپرده‌گذاران و طرف‌های قراردادی این بانک ضییع نشود. همچنین افراد دارای قصور یا تقصیر در این پرونده، مطابق قوانین و ضوابط مورد رسیدگی قرار خواهند گرفت. از طرف دیگر بانک مرکزی در موارد مشابه، با نظارت دقیق و پیشگیرانه، مانع رسیدن مسائل بانکی به مراحل پرهزینه شد.

ا‌ز‌های در همین ارتباط افزود: بانک مرکزی موظف است پیش از آنکه ناترازی به هر مرحله جراحی برسد با نظارت دقیق وارد عمل شود.

باید گفته رئیس دستگاه قضا، ورود دیر هنگام به ناترازی‌هایی از این دست، نه‌تنها هزینه‌های مالی و اجتماعی سنگینی در پی دارد، بلکه اعتماد عمومی به نظام پولی و بانکی کشور را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین بانک مرکزی باید نسبت به وظایف و مسؤولیت‌های خود در حوزه‌های پولی، بانکی و ارزی، توجه ویژه‌ای داشته باشد و با رصد مستمر، از بروز مشکلات ساختاری در این حوزه‌ها جلوگیری کند. به باور رئیس قوه قضائیه، پیشگیری از انحلال، به‌مراتب کم‌هزینه‌تر و مؤثرتر از مداخله در مراحل نهایی است.

باید توجه داشت که پرونده بانک آینده دیگر صرفاً یک مساله بانکی نیست و به چالشی تبدیل شده که تبعات آن از ترازنامه یک نهاد مالی فراتر رفته و گریبان اقتصاد ملی را گرفته است. به همین دلیل اصلاح ساختاری سایر بانک‌های ناتراز نیز باید در دستور کار قرار گیرد اما بانک مرکزی با وجود «اختیار صد درصدی» در قبال بانک‌ها، هنوز اقدام مؤثری برای مهار ناترازی بانک‌ها انجام نداده است. در چنین شرایطی، عبور از ناترازی بانک‌ها نیازمند مجموعه‌ای اقدامات فوری و ساختاری است: بازنگری دقیق در ترازنامه، تعیین تکلیف پروژه‌های غیرمولد، ارتقای شفافیت مالی و اعمال نظارت مستمر بر جریان نقدینگی. اصلاح مدل کسب‌وکار و محدودسازی فعالیت‌های غیرتخصصی نیز می‌تواند به کاهش ریسک و بازسازی اعتماد عمومی کمک کند. تأخیر در اجرای این اصلاحات وضعیت بانک‌ها را بدتر می‌کند، چراکه بانک‌های ناتراز برای جذب منابع، به پرداخت نرخ‌های غیرمتعارف روی می‌آورند که ناترازی را تشدید می‌کند. در حال حاضر کفایت سرمایه بسیاری از بانک‌ها مناسب نیست. این شاخص در شبکه بانکی ایران به حدود ۲ درصد رسیده است، در حالی که باید حداقل ۸ درصد باشد. با توجه به اینکه کفایت سرمایه، توان بانک‌ها در مقابله با ریسک‌های مالی و حفظ حقوق سپرده‌گذاران را نشان می‌دهد، شاخص پایین تهدیدی جدی برای ثبات مالی کشور محسوب می‌شود. بر اساس گزارش رسمی بانک مرکزی، از مجموع ۲۹ بانک بورسی و دولتی، تنها ۲۲ بانک دارای نسبت مثبت کفایت سرمایه هستند و ۶ بانک با نسبت منفی فعالیت می‌کنند. برای نمونه، نسبت کفایت سرمایه بانک آینده به منفی ۴۶۰ رسیده بوده، رقمی که عملاً نشان می‌دهد این بانک از مسیر اصلاح مستقل خارج شده و نیازمند مداخله ساختاری بود.

بنابراین باید نظارت دقیق‌تری بر فرآیند افزایش سرمایه، اصلاح ساختار مالی و کنترل ریسک اعتباری اعمال کند. تحقق اهداف برنامه هفتم توسعه، که دستیابی به کفایت سرمایه حداقل ۸ درصد را تا پایان دهه مقرر هدف‌گذاری کرده، نیازمند اصلاحات واقعی، افزایش سرمایه از محل آورده نقدی یا تجدید ارزیابی دارایی‌ها و کاهش مطالبات معوق است. تنها در این صورت می‌توان به بازسازی اعتماد عمومی و تقویت تاب‌آوری نظام بانکی کشور امیدوار بود.

در نیمه نخست سال ۱۴۰۴ وضعیت زیان انباشته در نظام بانکی کشور به نقطه‌ای حساسی رسیده بود. مجموع زیان ۷ بانک بزرگ از مرز ۴۶۰ هزار میلیارد تومان عبور کرده که ۳۰۱ هزار میلیارد تومان به بانک آینده اختصاص دارد. این حجم از زیان، فشار سنگینی بر منابع بانک مرکزی وارد آورده و روی

گروه اقتصادی: در نشست شورای هماهنگی مجلس شورای اسلامی که دیروز دوشنبه با حضور رئیس مجلس، روسای کمیسیون‌های تخصصی و معاونان قوه مقننه برگزار شد، رئیس مجلس با تأکید بر ضرورت اصلاحات معیشتی، خواستار اجرای فوری طرح کالابرگ الکترونیک در آبان‌ماه شد و تأکید کرد حتی اگر در این مرحله تنها ۳ دهک جامعه را پوشش دهد، این اقدام باید با فاصله‌ای کوتاه‌به ۷ دهک تعمیم یابد تا عدالت توزیعی در حوزه یارانه‌ها محقق شود. محمدباقر قالیباف با اشاره به ناکارآمدی پرداخت نقدی یارانه‌ها در شرایط تورمی، اجرای کالابرگ الکترونیک را ضروری برای رساندن حمایت‌ها به انتهای زنجیره مصرف دانست. او تأکید کرد به شرایط فعلی، یارانه نقدی نه‌تنها قدرت خرید را حفظ نمی‌کند، بلکه با افزایش تورم، به تضعیف معیشت خوارها منجر شده است. از این رو، ارائه کالاهای اساسی در قالب کالابرگ می‌تواند به عنوان یک ابزار عملیاتی برای حفظ ثبات معیشتی عمل کند. رئیس مجلس در ادامه معیشت را یکی از اولویتهای اصلی برنامه هفتم توسعه معرفی کرد و گفت: «ما باید خانواده‌محور حرکت کنیم و تأثیر سیاست‌های اقتصادی را بر قدرت خرید خوار بسنجیم». او با اشاره به حوزه‌های مسکن، سلامت و کالاهای اساسی، اصلاح ساختار انرژی را نیز به عنوان پایه‌ای برای اصلاح سایر حوزه‌های

تکلیف آبان وزارت رفاه

قالیباف: طرح کالابرگ باید ماه جاری اجرا شود حتی اگر در مرحله اول به ۳ دهک پایین تعلق گیرد

اقتصادی مطرح کرد. این نگاه نشان دهنده تلاش مجلس برای پیوند زدن سیاست‌های کلان با نیازهای ملموس خنوارهاست.

قالیباف همچنین از دولت خواست منابع اعتباری مورد نیاز برای اجرای کالابرگ را به صورت شفاف مشخص و تأمین کند. به گفته وی، تعلل در اجرای این طرح، به معنای عقب‌نشینی از اصلاحات معیشتی است و مجلس در این مسیر، پای کار ایستاده است. با تأکید رئیس مجلس بر اجرای فوری کالابرگ الکترونیک، اکنون توپ در زمین دولت است. اگر این طرح در آبان‌ماه آغاز شود حتی برای ۳ دهک نخست می‌تواند نقطه شروعی برای بازسازی مسیر معیشتی باشد. در نیمه نخست سال ۱۴۰۴، اجرای طرح کالابرگ الکترونیک وارد مرحله‌ای عملیاتی شد که می‌توان آن را نقطه عزیمت بازتعریف سیاست‌های حمایتی دولت دانست. بر اساس اعلام وزارت تعاون، تأمین اعتبار برای اجرای این طرح در هر دوره، برای ۳ دهک نخست جامعه نیازمند حدود ۱۲ هزار میلیارد تومان بوده‌است. با گسترش دامنه پوشش به ۷ دهک، این رقم